

جایگاه توسعه فرهنگی شهر در نظام سیاست گذاری ج.ا.ایران (مورد مطالعه: قانون برنامه های پنج ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

بیژن زارع* ، رضا صفری شالی** داود فاطمی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۱

چکیده

شهرنشینی در ایران در سال های گذشته با رشد قابل توجهی همراه بوده، اما به دور از مشکلات و پیامدهای منفی نیز نبوده است؛ بخشی از این مشکلات حاصل عدم توجه کافی به بُعد فرهنگی شهر و شهرنشینی در نظام برنامه ریزی می باشد. بنابراین، تحقیق حاضر، با هدف بررسی و مطالعه جایگاه توسعه فرهنگی شهر در نظام سیاست گذاری ج.ا.ایران نگاشته شده است. روش به کار رفته برای نیل به مقصود تحقیق، روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی می باشد؛ بر این اساس، مقوله های مورد نظر برای بررسی در متن قانون

dr_bizhanzare@yahoo.com

reza_safaryshali@yahoo.com

dfatemil@gmail.com

* دانشیار جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی.

** استادیار جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی.

*** دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج. ا. ایران، به‌عنوان واحدهای مورد مطالعه، از پیش بر اساس نظریات تدوین‌شده و پس از طراحی دستور کار رمزگذاری (با الگوگیری از کار مایرینگ)، جستجو و مورد تحلیل و نقد قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر توجه ناقص و تک‌بعدی قانون برنامه‌های پنجم و ششم به توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه‌های آن (شهروند فرهنگی و سرمایه فرهنگی شهر) است؛ برنامه پنجم بر سرمایه فرهنگی شهر و برنامه ششم بر شهروند فرهنگی تأکید دارد. مقوله‌های مورد توجه در برنامه‌ها در بیشتر موارد به‌صورت غیرمستقیم و تک‌بعدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی، بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌گردد مقوله‌های مغفول توسعه فرهنگی شهر در این برنامه‌ها، شامل: آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان، نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان، گسترش ارتباطات بین‌شهری، گسترش پارک‌ها و فضای سبز، اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر در برنامه‌های آتی مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: توسعه فرهنگی شهر، نظام سیاست‌گذاری، شهروند فرهنگی، سرمایه فرهنگی شهر

مقدمه

توسعه شتابان شهرنشینی و گسترش روزافزون شهرها همراه با مسائل و مشکلات زندگی شهری، مدیریت کلان‌شهرها را در کشورهای در حال توسعه دچار مشکل کرده است. بخش بزرگی از این مشکلات، ریشه در سطح فرهنگ عمومی شهرنشینی دارد، که نشان‌دهنده نوعی واپس‌ماندگی فرهنگی در فضای شهرها است که ناپایداری و ناهنجاری‌هایی در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی را به دنبال داشته است. برنامه‌ریزان شهری اخیراً این ضرورت را دریافته‌اند که شهر بیش از آنچه

که پیش‌تر تصور می‌شد، هویتی فرهنگی دارد و لذا هرگونه برنامه‌ریزی شهری منطقی و واقعی می‌باید، حساسیت‌های لازم نسبت به هویت فرهنگی شهرها و نیز تقویت هویت فرهنگی شهروندان در زندگی شهری مدرن را در خود داشته باشد (کشاوری‌ترک، ۱۳۹۳: ۳).

بررسی روند شهرنشینی در ایران بر مبنای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، بیانگر رشد سریع شهرنشینی در کشور است؛ چنان‌که سهم جمعیت شهرنشین کشور طی روندی مستمر از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ رسیده است. البته رشد قابل‌توجه شهرنشینی در ایران، به دور از مشکلات و پیامدهای منفی نیز نبوده است؛ بخشی از این مشکلات حاصل عدم توجه کافی به بُعد فرهنگی شهر و شهرنشینی در نظام سیاست‌گذاری است که توسعه ناپایدار و ناهمگون شهری را به بار آورده است (خیری، ۱۳۹۵: ۵). از طرفی، توسعه ناپایدار و ناهمگون شهری به‌نوبه خود منجر به افزایش آسیب‌های شهری همانند آلودگی‌های زیست‌محیطی، ترافیک، ازدحام جمعیت، آلودگی‌های صوتی، گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی، ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی، در جوامع در حال توسعه از جمله جامعه ایران شده است (صالحی‌امیری و چاوش‌باشی، ۱۳۸۹: ۱۶).

عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگی شهرها از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی توسعه قابل‌شناسایی است؛ تجارب اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای مختلف جهان، به‌خصوص در کشورهای اسلامی، نشان می‌دهد عدم توجه به ابعاد و مکانیزم رابطه صحیح بین قطب‌های توسعه با فرهنگ، علاوه بر آن‌که میزان رشد کمی و کیفی رشد ملی را محدود می‌سازد، در بلندمدت به دلیل توسعه نامتوازن باعث ایجاد عوارض منفی و بحران‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود (شربتیان، ۱۳۹۲: ۸۹). مقوله فرهنگ در ادبیات توسعه شهری ایران مقوله‌ای «کم‌تر توجه شده» است؛ مقوله‌ای که کاربردها و تأثیرات فراوانی در توسعه شهرها دارد و هم‌چنین علّاجی است

بر چالش‌های شهری که از راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای پیشین راه به‌جایی نبرده‌اند (چنگلویی، ۱۳۹۰: ۴). متأسفانه نگاه مدیریت اجرایی شهرها در اجرای کاربردی طرح‌های توسعه‌مند، بیشتر سیاسی، اقتصادی، عمرانی و منفعت‌طلبانه است و به دلیل فقدان دیدگاه مدیریت فرهنگی حاکم بر اجرا و نظارت دقیق و مشارکت‌طلبانه شهروندان، در حال حاضر توسعه فرهنگی در حوزه مدیریت شهری مورد غفلت قرار دارد (شربتیان، ۱۳۹۲: ۸۵). سیاست‌گذاری دقیق و خردمندانه برای توسعه شهر و شهرنشینی، تنها در صورتی تضمین می‌شود که بتوان عوامل فرهنگی را به‌صورت جز پیوسته برنامه‌های راهبردی طراحی کرد. ازاین‌رو لازم است اصلاحاتی در برنامه‌ریزی‌های شهری صورت گیرد و این اصلاحات نه از گونه کالبدی که باید از نوع فرهنگی باشد (رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۴). بدون شناسایی ابعاد گوناگون فرهنگ و لحاظ کردن شاخص‌های فرهنگی در ارتباط با شهر و شهرنشینی در برنامه‌های راهبردی توسعه، نمی‌توان از یک برنامه‌ریزی مناسب شهری سخن گفت. بنابراین، با توجه به نقش نظام سیاست‌گذاری در توسعه فرهنگی شهر از طریق برنامه‌های راهبردی، تحقیق حاضر به مطالعه و بررسی این مسئله پرداخته است که، توسعه فرهنگی شهر در قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد مرتبط فرادستی، چه جایگاهی دارد.

پیشینه تحقیق

«توسعه فرهنگی و شهر کارآفرین: استراتژی فرهنگی برتر در لس‌آنجلس، سان‌فرانسیسکو و سن‌خوزه»، عنوان پژوهش گروداچ^۱ (۲۰۰۶)، می‌باشد. گروداچ با استفاده از تحقیق پیمایشی و مطالعه موردی، چشم‌انداز مفصلی درباره گستره، نقش و تأثیر استراتژی توسعه فرهنگی شهری ارائه می‌نماید. این تحقیق بر ظرفیت توسعه

اقتصادی پروژه‌های فرهنگی برحسب: ۱) توسعه تجاری و مسکونی، ۲) جذب بازدیدکننده و ۳) توسعه هنرها تأکید می‌کند. مطالعات موردی نشان می‌دهد که نمادهای فرهنگی جدا از نهادهای محرک مستقل می‌باشند. در مقابل، ظرفیت توسعه اقتصادی برای موزه‌ها و انجام مجموعه‌های هنری به‌طور زیادی به عوامل تاریخی و زمینه‌ای محلی همانند نیروهای اقتصادی و سیاسی بستگی دارد که از ورای منطقه ناشی می‌شود. توید و ساترلند^۱ (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان «ترکیب میراث فرهنگی و توسعه شهری پایدار»، به بررسی ارتباط توسعه و فرهنگ در شهر می‌پردازند؛ نتایج به‌دست‌آمده از کاربرد روش پیمایش، داستانی که برای ارزیابی ادراکات متفاوت افراد و نگرش نسبت به مناطق تاریخی شهری طراحی شده، قبل از توصیف مطالعه موردی توسعه شهری اخیر، در بلفاست ارائه شده است که مشکلات میراث فرهنگی ناملموس را برجسته می‌کند. این تحقیق با بحث مختصری در مورد نقایص رویکردهای موجود در بازسازی شهری، پیشنهاد می‌کند که چگونه این مشکلات می‌توانند از طریق درک و فهم بیشتری از چگونگی کنش افراد با محیط شهری و میراث فرهنگی آن برطرف شوند.

رنشتاین^۲ (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان «توسعه فرهنگی و محله‌های شهری»، به بیان چهار ویژگی سیاست فرهنگی شهر و تأثیر آن بر محله‌ها می‌پردازد؛ این چهار ویژگی عبارت‌اند از: ۱) توسعه فرهنگی تمایل دارد که منابع فرهنگی را به بخش‌های تجاری و فرهنگی مرکز شهر و دور از محله‌ها متمرکز سازد، ۲) دارایی‌های فرهنگی و نیازهای محله در زیربنای سیاست فرهنگی موجود در اکثر شهرها ضعیف است، ۳) بین تمرکز محدود سیاست‌های سازمان‌های فرهنگی و محیط سیاست‌های گسترده‌ای که بر فعالیت‌های فرهنگی محله تأثیر می‌گذارند، عدم هماهنگی وجود دارد، ۴) اقتدار و نظارت در بخش فرهنگ عمومی معلوم و واضح نیست. رنشتاین با استدلال تأثیر این

1. Tweed & Sutherland
2. Rosenstein

ویژگی‌ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات شهری استدلال می‌نماید که امروزه فرهنگ یکی از مؤثرترین عوامل در توسعه محله‌ای و منطقه‌ای می‌باشد که باید توسط برنامه‌ریزان و طراحان توسعه مدنظر قرار گیرد.

لطیفی (۱۳۸۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی»، به بررسی رابطه شهرنشینی و توسعه با تأکید بر بُعد فرهنگی می‌پردازد. از نظر وی توسعه فرهنگی، فرایند درازمدتی است که توسط ارگان‌های رسمی و غیررسمی در جامعه دخالت می‌کند و به تدریج به عنوان کنش، خود را نشان می‌دهد، به طوری که در حال حاضر در تمام دنیا برنامه‌های توسعه به سه بُعد مهم در کنار یکدیگر می‌پردازند که یکی از آن‌ها بعد فرهنگی است. بنابراین، برنامه‌ریزی فرهنگی باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها نقش و جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد و بدون در نظر گرفتن آن، برنامه‌ها اثربخشی لازم را نخواهند داشت. بنابراین، نیاز است شناخت برنامه‌ریزی فرهنگی به یک پارادایم فکری در عرصه‌های برنامه‌ریزی شهری تبدیل شود و برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان، موضوعات فرهنگی را در برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار داد.

رحیمی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش نهادهای متولی مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهر فسا)»، بر مبنای بررسی‌های میدانی و پیمایشی به بررسی عملکرد مدیریت شهری فسا در بسترسازی فرهنگی شهروندمداری در قالب برنامه‌ریزی‌های شهری و اطلاع‌رسانی به اقشار مختلف مردم از منظر کارشناسان مدیریت شهری و شهروندان پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد عدم مطلوبیت و ضعف سازوکارهای مدیریت شهری در نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی در شهر فسا مشهود بوده و شهروندمداری با مشکل مواجه است. برنامه‌ریزی‌های شهری فسا تقریباً فاقد طرح‌های مشارکتی است و طرح‌های جامع و تفصیلی و سایر طرح‌های شهری بدون نظرخواهی از مردم همچنان روند از بالا به پایین و به اصطلاح «برنامه‌ریزی برای مردم و نه با مردم» را حفظ کرده‌اند. در پایان، به منظور بهبود عملکرد مدیریت شهری در ارتقاء

فرهنگ شهروندی و حذف چالش‌ها و موانع پیشنهاد شده است، نظام مدیریت شهری و به‌خصوص شهرداری و شورا شناخت جامع و کاملی از ویژگی‌های جامعه شهری خود کسب و با نگرشی آسیب‌شناسانه نیازهای شهر و شهروندان را در همه زمینه‌ها شناسایی و تعاریف روشنی از این نیازها ارائه کنند.

کشاووزترک (۱۳۹۳)، در رساله دکتری خود با عنوان «جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری ایران با رویکرد آینده‌پژوهی»، با اتخاذ روش ترکیبی، جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده در چشم‌انداز توسعه شهری بر مبنای آینده‌پژوهی در قلمرو فرهنگ را مطالعه نموده است. طبق نتایج تحقیق وی، لازم است فرهنگ در متن نظام برنامه‌ریزی قرار گیرد و به عبارتی برنامه‌ریزی شهری دارای ماهیت و هویت فرهنگی گردد. آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان می‌باشد، که ارتباطی دوسویه با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ جوامع دارد. از این حیث ریشه‌یابی نسبت بین برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری و آینده‌پژوهی (آینده‌سازی) ضرورت می‌یابد.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر قزوین با تأکید بر نقش عوامل فرهنگی»، درصدد شناسایی و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه شهر قزوین برآمدند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که عوامل فرهنگی شهر قزوین در وضعیت مطلوبی قرار ندارند و بر این اساس باید راهبردهای تدافعی از جمله ارتقاء سرمایه اجتماعی شهروندان مانند آگاهی، اعتماد و مشارکت آنان در توسعه طرح‌های فرهنگی را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار داد. بر اساس نتایج تحقیق پوراحمد و همکاران، توسعه شهر قزوین به‌شدت تحت تأثیر کارکردهای فرهنگی است و این امر باید مورد توجه مسئولان شهری قرار گیرد که لازمه آن مشارکت همه‌جانبه شهروندان در مراحل مختلف تهیه، اجرا و نظارت طرح‌های توسعه شهری است که در غیر این صورت ضمن آشفته‌گی فضای فرهنگی شهر قزوین، نارضایتی شهروندان از عملکرد مدیریت شهری را در پی خواهد داشت.

تحقیقات متعددی در زمینه توسعه فرهنگی شهر در داخل و خارج به انجام رسیده است که بخش قابل توجهی از ادبیات تجربی در مورد توسعه فرهنگی شهر را به خود اختصاص داده و نقش قابل توجهی در طرح مباحث نظری جدید داشته‌اند. با این وجود، مطالعات پیشین توجه جامعی به توسعه فرهنگی شهر در ابعاد متنوع آن (شهروند و فضای شهر)، نداشته و مهم‌تر این‌که به جایگاه توسعه فرهنگی شهر در دستگاه سیاست‌گذاری کلان به گونه‌ای مشخص پرداخته‌اند. تحقیق حاضر قصد دارد ضمن بهره‌گیری از شاخص‌ها و نتایج مطالعات تجربی داخلی و خارجی و نیز استفاده از متون نظری و لحاظ کردن زمینه فرهنگی، جایگاه توسعه فرهنگی شهر در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور را بررسی نماید.

چارچوب مفهومی

توسعه هنگامی که با فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی مرتبط گردد، طیفی از چشم‌اندازها و امکانات را در چارچوب‌های تفسیری می‌گشاید. سیاست‌گذاری برای توسعه فرهنگی شهر، فرآیندی به هم پیوسته از نظریه/عمل است و از این رو، در این فرآیند نمی‌توان میان کردارهای فرهنگی و مادی تمایزی صددرصدی قائل شد. از این رو، در بررسی عناصر فرهنگی یک شهر، بازشناسایی طیف وسیعی از عناصر، از جمله، میراث فرهنگی شهر، نهادها، الگوهای سنتی رفتار انسانی و کلیه عناصری که شهر را به ارگانیزم زنده و پویا بدل می‌کنند، ضرورت می‌یابد. در این راستا و با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، «شهروند فرهنگی» و «سرمایه فرهنگی شهر» دو مؤلفه اساسی توسعه فرهنگی شهر را تشکیل می‌دهند که به نوبه خود مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی را شامل می‌شوند که در رویکردهای توسعه فرهنگی شهر به نوعی بدان‌ها پرداخته شده است.

رویکرد توسعه فرهنگی یونسکو: فرهنگ به مثابه ابزار انسجام؛ بر این اساس، توسعه فرهنگی به مثابه «منبعی برای توسعه انسانی» در نظر گرفته می شود (Beaker & Cardinal, 2001: 14). این ایده مبتنی بر نظر یونسکو در تعریف فرهنگ به مثابه «مسیرهای زندگی کردن با یکدیگر است»، که به طور آگاهانه فرهنگ را ابزاری برای تسهیل انسجام اجتماعی به کار می گیرد. از این رو، این رویکرد، یک رویکرد چندفرهنگی^۱ است که به دنبال کمک به ادغام اجتماعات قومی فرهنگی گوناگون در زندگی شهری است. تروتر^۲ در جمع بندی مفهوم توسعه فرهنگی از نظر یونسکو بیان می کند: هرچند که مفهوم توسعه فرهنگی یک مفهوم تازه و یا محدود به یونسکو نیست، اما روشن است که جایگاه این اصطلاح با اعلامیه سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۷ یونسکو ترقی یافت و ضمانت اجرایی پیدا کرد. اهداف کلیدی این اعلامیه ها عبارت بودند از:

- صحنه گذاری بر بُعد فرهنگی توسعه

- وسعت یافتن دامنه مشارکت در زندگی فرهنگی

- ارتقاء همکاری فرهنگی بین المللی (Trotter, 1998: 214).

این رویکرد در قلمرو برنامه ریزی فرهنگی شهر، اساساً از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یک رویداد تازه مطرح شده است که بر دستیابی به یک بیان بسیار منسجم هنر و فرهنگ و نیز منابع فرهنگی برای احیاسازی شهرها و زندگی شهرها تأکید دارد (عطافر و آقاسی، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

بر اساس تعریف مردم شناسی از فرهنگ به مثابه «یک شیوه زندگی»، منابع فرهنگی در این رویکرد، تمامی جنبه هایی که به «ساختن یک فضا» کمک می رسانند را شامل می شود؛ کیفیت های محسوس یا نامحسوس مانند: هنرها؛ میراث فرهنگی؛ جشنواره های محلی؛ مناسک محلی؛ تولیدات محلی؛ فرهنگ جوانان؛ اقلیت ها و

1. Multicultural

2. Trotter

اجتماعات قومی؛ تولیدات محلی؛ حرفه‌ها و توانایی‌های محلی؛ فضاهای عمومی؛ معماری؛ تصاویر و غیره. شهرهایی که خواهان دنبال کردن این راهکار هستند، باید فرهنگ را برای استفاده از آن به‌مثابه یکی از ابعاد توسعه شهری، در مرکز سیاست‌های توسعه خود قرار دهند. علاوه بر این، در این رویکرد این عقیده وجود دارد که تمام مکان‌های شهری می‌توانند بهتر شوند، اگر منابع ذاتی و چه‌بسا کشف نشده آن‌ها بسیج شود: «هر مکانی دارای چیزی بیشتر از آن است که در نگاه اول به نظر می‌آید، در زیرزمین پنهان شده است، نامرئی، ناشناخته یا دست‌کم گرفته‌شده» (Landry, 2006: 272).

الگوی این نوع از سیاست‌گذاری در مقابل الگوهایی قرار می‌گیرد که بر مفهوم محدود و جزئی از سیاست‌گذاری فرهنگی کار می‌کنند که در آن فرهنگ به‌مثابه فرهنگ والا و هنرهای مطلوب، در نظر گرفته می‌شود. در مقابل، برنامه‌ریزی فرهنگی یک رویکرد کل‌گرایانه و بینارشته‌ای است. به‌علاوه، ویژگی این رویکرد تأکید آشکار آن بر فضا و مکان است (یعنی بر بخشی از شهر یا تمام شهر). این رویکرد با افزودن بر مسیرهای ابراز وجود برای تمام بخش‌های جامعه، به دنبال تقویت تکرگرایی فرهنگی است. از این رو، به این رویکرد به‌عنوان یک رویکرد دموکراتیک به سیاست فرهنگی و نیز وسیله استراتژیک برای توسعه شهر نگریسته می‌شود: «برنامه‌ریزی فرهنگی کاربرد استراتژیک و یکجای منابع فرهنگی برای توسعه اجتماع است» (Mercer, 2002: 172).

رویکرد الگوی هوشمند:

این رویکرد به نظریه «طبقه خلاق» نیز معروف است و توسط فلوریدا^۱ مطرح شده است. بحث اصلی‌ای که فلوریدا مطرح می‌کند این است که کارگران ماهر با تحرک مکانی بالا و دارای دانش اقتصادی به مکان‌هایی جذب می‌شوند که فرصت‌های استخدامی معین و خوشایند «کیفیت زندگی» و گزینه‌های سبک زندگی را فراهم آورند.

1. Florida

به این ترتیب، یک حوزه اجتماعی مجهز که بر روی تمام اشکال خلاقیت هنری و فرهنگی و نیز تکنولوژیکی و اقتصادی گشوده است. فراهم‌کننده بنیان زیست‌بوم یا سکونتگاهی است که در آن اشکال چندبُعدی خلاقیت ریشه می‌گیرند و پرورش می‌یابند. به عنوان مثال با حمایت کردن از سبک زندگی و نهادهای فرهنگی از قبیل یک تالار موسیقی یا اجتماع هنری پویا، به جذب شدن و برانگیخته شدن کسانی کمک می‌شود که در تجارت و فن‌آوری خلاق هستند (Florida, 2005: 39).

این حوزه اجتماعی مجهز عناصری مانند: حمل‌ونقل عمومی مطلوب، مدارس عمومی با کیفیت، دانشگاه‌ها، پارک‌ها و مکان‌هایی برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، فرهنگ و هنرها؛ مانند موسیقی و تئاتر را در برمی‌گیرد. فلوریدا در به‌کارگیری مفاهیم فرهنگ و هنر، اندیشه قراردادی در مورد این مفاهیم را به چالش می‌کشد. در واقع، درحالی‌که هزینه‌های عمومی در حوزه فرهنگ به‌طور سنتی به سمت سرمایه فرهنگی و نهادهای هنری مانند موزه‌ها، گالری‌ها، تالارهای موسیقی و تئاترها معطوف هستند، وی مفهوم بسط یافته تری را در مورد جذابیت‌های فرهنگ ارائه می‌دهد. توجه وی به دو جنبه فرهنگ و شهرها معطوف است:

نخست، شادابی فرهنگی^۱، که به مثابه مجموعه کلی مطلوبیت‌هایی تعریف می‌شود که عمدتاً پیرامون یک فرهنگ پویا در سطح خیابان گرد هم می‌آیند. از کافه‌های کنار خیابان و رستوران‌ها گرفته تا گالری‌های هنری در سطح محلی و تالارهای موسیقی. درحالی‌که بسیاری از این کیفیت‌ها به‌طور طبیعی، خودانگیخته و هم‌زیست گسترش می‌یابند و به‌روشنی نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل از طریق سیاست‌گذاری عمومی ایجاد کرد، یکی از گزینه‌های سیاست‌گذاری در دسترس، برای ایجاد بهترین شرایط رشد این کیفیت‌ها، برنامه‌ریزی شهری برای استفاده از فضای شهری است تا مسیرهای شهرنشینی^۲ تازه را به دنبال آورد.

1. Cultural Vibrancy
2. Urbanism

دومین بُعد فرهنگ، مدارا^۱ و گوناگونی^۲ است، که وی آن‌ها را با «شاخص زندگی بدون مزاحمت» و «شاخص متولد-خارجی»^۳ می‌سنجد. بر این اساس، وی همبستگی میان سطوح بالای خلاقیت و نوآوری شغلی و سطح بالای «زندگی بدون مزاحمت» به‌دست‌آمده را بیان می‌کند. از نظر وی، شهرهای موفق، شهرهایی هستند که دارای جو شهری با مدارایی هستند که در آن سبک‌های زندگی و اجتماعات گوناگون با یکدیگر هم‌زیستی دارند و توسط هنر والا، حوزه‌های هنری تجربی و بدیل تقویت می‌شوند. این کیفیات شهری به‌مثابه امور سرنوشت‌ساز برای جذب عامل تولیدی مهم‌تر در یک اقتصاد ناشی از نوآوری، کارگر خلاق مبتنی بر دانش در نظر گرفته می‌شوند. این کیفیت‌ها به‌مثابه عناصر ضروری در زنجیره تغذیه خلاقیت عمل می‌کنند، زیرا آن‌ها کیفیاتی در محیط شهری هستند که استعدادهای خلاق را جذب می‌کنند. به‌این‌ترتیب، فلوریدا رابطه‌ای را میان فرهنگ، سبک زندگی و اقتصاد شهری در نظر می‌گیرد، که به‌واسطه آن شهر به‌مثابه فضای پیچیده‌ای در نظر گرفته می‌شود که از سبک‌های زندگی، افراد گوناگون، خلاقیت بالقوه، زندگی اجتماعی و سلیقه‌های همسایگی شکل گرفته است که افراد خلاق را به بار می‌آورد و خلاقیت‌ها را به کمک می‌طلبد.

رویکرد شهر خلاق^۴:

یکی از بسط‌های نظریه فلوریدا، مفهوم «شهر خلاق» و توسعه فرهنگی شهر بر اساس رشد خلاقیت‌ها و فرهنگ شهر است. اگر نظریه فلوریدا بر مؤلفه‌های فرهنگی برای توسعه شهر جذب یک «طبقه خلاق» یا «کارگران ماهر با تحرک مکانی بالا و دارای دانش» تأکید می‌کند، رویکرد شهر خلاق بر خود فضای شهر به‌مثابه هدف اصلی توسعه فرهنگی تمرکز دارد. این رویکرد که اساساً مبتنی بر راهکارهای توسعه فرهنگی

-
1. Tolerance
 2. Diversity
 3. Foreign-Born Index
 4. Creative City

یونسکو می‌باشد، بر این امر تأکید می‌کند که هر شهر باید بر اساس بهترین عناصر تاریخی، موقعیت جغرافیایی و منابع انسانی‌اش سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خاص خود را تدوین و اجرا نماید. بر این اساس، واربانوا^۱ خلاقیت فرهنگی را فرآیندی تعریف کرد که «به ما کمک می‌کند تا رؤیاهای فرهنگی‌مان را جامه عمل بپوشانیم» (Varbanova, 2007: 59). یعنی جایی که؛ «هنرها برای اهمیت زیبایی‌شناختی‌شان و قابلیت‌شان برای غنابخشی به فهم و ارتباطات مورد توجه هستند؛ تنوع فرهنگی پذیرفته می‌شود و ظهور خلاقیت در تمام اشکال آن مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ مردم می‌توانند در زندگی هرروزه‌شان از فعالیت‌های خلاقانه لذت ببرند؛ هنرها به مثابه یک ضرورت آموزشی نگریسته می‌شوند و خلاقیت به مثابه یک مهارت ارزشمند در عصر اطلاعات در نظر گرفته می‌شود و هنرها برای نقش مهمشان در مزایای اقتصاد و نیز روحی، ذهنی و اجتماعی‌شان، ارزشمند به حساب می‌آیند» (Duxbury, 2003: 274).

بر این اساس، مفهوم «شهر خلاق» به عنوان مفهومی تازه در بحث‌های توسعه فرهنگی شهر، مفهوم «سرمایه انسانی»^۲ را در کانون نظریه‌پردازی خود قرار می‌دهد. در این راستا، این مفهوم بر «خلاقیت، توسعه اجتماع» تأکید می‌کند و فرهنگ را اصلی‌ترین شاخص برای داشتن شهری پویا، زنده و سازگار^۳ در نظر می‌گیرد که برای نسل‌های آینده نیز پابرجا و بارور است. در چنین فرهنگی، «کنش مشترک» یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن را تشکیل می‌دهد. چنین کنشی متضمن تاریخ و حافظه، منابع و دستاوردهای فرهنگی و هنری و فضاهای عمومی مشترک است. واربانوا ابعاد شهرهای خلاق را این گونه برمی‌شمرد:

۱. میراث و حافظه جمعی: که بازتاب‌دهنده روابط، فضایل گذشته و چالش‌ها و امیدواری‌های افراد به عنوان شهروندان است و ساکنان یک شهر را گرد هم می‌آورد.

1. Varbanova
2. Human Capital
3. Act of Sharing

میراث در ارتباط با برداشت هویتی شهروندان و غروری است که آن‌ها از تعلق داشتن به یک مکان احساس می‌کنند. واربانوا یکی از مهم‌ترین مکان‌ها در شهرها که موجب تداوم، گردآوری، مستندسازی و آموزش میراث و تاریخ شهر و ساکنان آن می‌شود، را موزه‌ها می‌داند (Varbanova, 2007: 9).

۲. **فضاهای ملاقات و هنر همگانی:** این فضاها را می‌توان فضاهای فیزیکی در نظر گرفت که در آن افراد گرد هم می‌آیند در مورد موضوعات گوناگون بحث می‌کنند و موافقت و مخالفت خود را بیان می‌کنند و در کنار دیگر اعضای اجتماع، اجتماعی می‌شوند. ازجمله این مکان‌ها می‌توان به پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، گالری‌های هنری، فرهنگ‌سراها، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی اشاره کرد.

۳. **هوشیاری شهری:** هوشیاری مردم و خلاقیت آن‌ها یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی شهر است. این شاخص بیانگر میزان کمک افراد به پروژه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای حاصل‌دهی و ارتقاء هر چه بیشتر آن‌هاست.

۴. **فرهنگ به مثابه یک نیروی محرک اقتصادی:** فعالیت‌های فرهنگی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای به توسعه اقتصادی شهرها کمک می‌رسانند. واربانوا ازجمله فعالیت‌های فرهنگی که ارتباط تنگاتنگی با توسعه اقتصادی دارند به جذب گردشگر و ساکنان تازه، افزایش تقاضا و تخصیص منابع مالی خانواده‌ها برای فرهنگ و اوقات فراغت، آموزش نیروی کار ماهر و تربیت افرادی با تحصیلات بالا اشاره می‌کند (Varbanova, 2007: 10). ازاین‌رو، تولید و خدمات فرهنگی در شهرها به افزایش فرصت‌های اقتصادی، جذب توریست‌ها و خدمات جانبی آن ازجمله هتل‌داری، مراکز تفریحی و اقامتی کمک می‌رساند.

۵. **شهروند فرهنگی:** آن‌چه که از این اصطلاح مدنظر است، «کمک فرهنگ به توسعه دموکراتیک شهر است». وجود و استفاده از فضاها و حوزه‌های عمومی که شهروندان بتوانند در مورد سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های شهری به بحث بپردازند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری «شهروند فرهنگی» و به تبع آن، توسعه دموکراتیک شهر دارد.

شهروند فرهنگی، به‌عنوان یکی از عناصر توسعه فرهنگی شهر، هم مکانیسم و هم عامل توسعه فرهنگی می‌باشد؛ در این الگوی توسعه بر مشارکت فعال مردم در فرآیند توسعه و نیز بهره‌مندی تمام افراد از مزایای آن تأکید می‌شود.

۶. *توسعه اجتماعات*: منظور از اجتماعات مجموعه افراد از خاستگاه‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی است که دائماً دست‌به‌کار انطباق خود با واقعیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تازه هستند. این مفهوم، بر ضرورت در نظر گرفتن فرهنگ و خلاقیت در راهکارها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرها تأکید می‌کند. ازجمله شاخص‌های توسعه اجتماعات شهری می‌توان به پاسخگویی محیطی، رفاه اقتصادی، برابری اقتصادی و سرزندگی فرهنگی اشاره کرد. بر این اساس، برابری زندگی اجتماعات به برابر بودن در تجلیات فرهنگی‌شان و گفت‌وگو و درگیر بودن در مسائل مرتبط با سرنوشتشان مرتبط است.

۷. *توسعه شخصی و اجتماعی جوانان*: یکی دیگر از شاخص‌های مهم «شهر خلاق» درگیر بودن جوانان در فعالیتهای هنری، فرهنگی، سرگرمی‌ها و رسانه‌هاست. فعالیتهای فرهنگی و هنری است که به رشد مهارت‌های رهبری و تصمیم‌گیری جوانان کمک می‌رساند و زمینه را برای خوداظهاری و خودفهمی جوانان مهیا می‌سازد (افراسیابی، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۲).

رویکرد مجموعه فرهنگی^۱:

این رویکرد بر تأثیرات اقتصادی و فضایی و شرایط محیطی بر سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید می‌کند و به دنبال برقراری پیوندی پایدار میان ارزش‌های فرهنگی و زیرساخت‌های پهن‌دامنه شهری است. همان‌گونه که از نام آن پیداست، در این رویکرد مجموعه‌های فرهنگی به‌مثابه نوع تازه و منبع جایگزینی در توسعه فرهنگی شهری در نظر گرفته می‌شوند. این مجموعه‌های فرهنگی، ترکیبی از کارکردها و خلاقیت‌های

فرهنگی، تولید و عرضه و مصرف محصولات فرهنگی اعم از تئاتر، موسیقی و رسانه‌های جدید را دربرمی‌گیرند که با یکدیگر در یک‌شکل فضایی بسیار متنوع گردآورده شده‌اند. موماس برای بیان منظور خود، از مفاهیمی چون «محور فرهنگی»^۱ یا «بلوار فرهنگی»^۲ استفاده می‌کند که از «ادغام شدن انواع کارکردهای تولید مصرف کالاهای فرهنگی» ایجاد می‌شوند (Mommaas, 2004: 507-510).

در رویکردهای سنتی به سیاست‌گذاری فرهنگی شهری، تأثیرات اقتصادی و فضایی به میزان زیادی به‌مثابه امری خارجی در نظر گرفته می‌شد، اما در این رویکرد، فرهنگ و هنر به‌مثابه منبعی برای بازسازی شهری در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو، برنامه‌ریزی فرهنگی شهری «از سیاستی به هدف سازمان دادن موقعیت مطلوب برای مصرف‌کننده خاص، به یک سیاست محدودتر اما با دستاورد بهتر تغییر یافته است، علاوه بر این‌که، هدف آن ایجاد فضاها، سکونت‌گاه‌ها و محیط‌های اجتماعی برای تولید و خلاقیت فرهنگی می‌باشد» (Mommaas, 2004: 508).

در نزد موماس، آفرینش و غنابخشی مجموعه‌های فرهنگی به‌مثابه منبع تازه و بدیلی برای توسعه فرهنگ شهری، در مقابل نگرش‌هایی قرار می‌گیرند که نگاهی از بالا به توسعه فرهنگی شهر دارند و صرفاً بر توسعه هنرهای والا در توسعه فرهنگی شهر تأکید دارند. ایجاد و غنابخشی مجموعه‌های فرهنگی، جایی که مجموعه کارکردها و فعالیت‌های فرهنگی در تنوع زیاد اشکال فضایی، از تولید و عرضه و مصرف و از نمایش و هنرهای دیداری تا موسیقی و رسانه‌های جدید، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، به‌طور فزاینده‌ای به‌مثابه منبعی تازه و جایگزین برای توسعه فرهنگی شهر در نظر گرفته می‌شود. مجموعه‌های فرهنگی با طیف وسیعی از جایگاه‌ها و شکل‌ها از ساختمان‌های مستقل یا مجموعه‌های بسیار بزرگ، تا محله‌ها یا شبکه‌هایی از مکان‌ها در یک شهر مشخص می‌شوند.

1. Cultural Axis
2. Cultural Boulevard

روش تحقیق

هدف تحقیق حاضر بررسی و ارزیابی جایگاه توسعه فرهنگی شهر در قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ برای نیل به این مقصود قاعدتاً باید یکی از روش‌های تحلیل متن در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در انتخاب و استفاده از چنین روشی در خصوص موضوع مورد نظر، لازم است ابعاد مختلف محتوایی و مضامین غیر آشکار مندرج در متن مورد توجه قرار گیرد و تنها بر وجوه آشکار متن اکتفا نشود. بر این اساس، در این تحقیق برای بررسی متن قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه از روش تحلیل محتوای کیفی^۱ استفاده شده است. این روش از جهات مختلف برای دستیابی به اهداف بررسی ما مناسب خواهد بود.

در تحلیل محتوای کیفی، متن به شیوه‌ای قاعده‌مند و گام‌به‌گام به واحدهای تحلیلی تقسیم می‌شود و با دنبال کردن سؤال اصلی یا همان مسئله تحقیق، مقوله‌ها بر اساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین می‌یابند و از طریق حلقه‌های بازخورد و بازنگری‌های لازم، تطابق مقوله‌ها در رابطه با نظریه و شیوه‌های تحلیل تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی از صرف محاسبه کلمات یا استخراج محتوای عینی از متون فراتر می‌رود و به سنجش معانی، قالب‌ها و الگوهایی که ممکن است در متن مورد نظر آشکار یا پنهان باشند، می‌پردازد. این روش به محققان امکان می‌دهد واقعیت اجتماعی را به شکلی ذهنی و درعین حال علمی درک کنند (حریری، ۱۳۸۵: ۲۶۴). آنچه در این تحقیق مدنظر ماست نیز نه صرف محاسبه فراوانی استفاده از واژگان یا عبارت‌ها در متن، بلکه استخراج مفاهیم و معانی مندرج در آن است. بنابراین بهره‌مندی از تکنیک‌های تحلیل محتوای کیفی می‌تواند ما را به اهداف خود نزدیک‌تر کند. تحلیل محتوای کیفی شامل شیوه‌های مختلفی می‌شود و بر همین اساس دسته‌بندی‌های

مختلفی از انواع آن ارائه شده است. (Myring, 2000)، برای تحلیل محتوای کیفی دو شیوه «تکوین استقرایی مقوله‌ها»^۱ و «تکوین قیاسی مقوله‌ها»^۲ را مطرح می‌کند. متناسب با نیازهای تحقیق، شیوه مورد استفاده قیاسی می‌باشد؛ تکوین قیاسی مقوله‌ها، جنبه‌های تحلیل را با توجه به چارچوب نظری، از پیش فرمول‌بندی می‌کند. در این شیوه، گام کیفی تحلیل، عبارت از اعمال کنترل روش‌شناختی در تخصیص مقوله‌ها به هر عبارت از متن است. ایده اصلی در به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها، ارائه تعریف دقیق و مثال‌هایی از قواعد رمزگذاری برای هر مقوله قیاسی و تعیین دقیق شرایطی است که بر اساس آن، بخش‌های مختلف متن می‌توانند تحت مقوله خاصی قرار بگیرند. در این شیوه، تعاریف مقوله‌ها، مثال‌ها و قواعد رمزگذاری، به‌صورت یک «دستور کار رمزگذاری» تهیه می‌شود (حریری، ۱۳۸۵: ۲۶۷). در این شیوه برعکس شیوه استقرایی، بر اساس یافته‌های تحقیقات پیشین یا یک نظریه اصلی، کار تحلیل محتوا آغاز می‌شود، مقوله‌های مورد نظر بر اساس اطلاعات از پیش موجود نظری یا تجربی ساخته می‌شوند و بررسی داده‌ها مشخص می‌کند که هر واحد از آن‌ها باید ذیل کدام مقوله قیاسی طبقه‌بندی شوند (Zhang & Wildermuth, 2009).

در تحقیق حاضر برای تحلیل محتوای متن برنامه‌ها از شیوه قیاسی استفاده شده است؛ به این معنا که مقوله‌های مورد نظر برای بررسی در متن از پیش بر اساس نظریات تدوین‌شده و پس از طراحی دستور کار رمزگذاری، این مقوله‌ها در متن جستجو و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. فنون تحلیل محتوای کیفی شامل سه فن خلاصه‌سازی^۳، توضیح^۴ و ساختاربندی^۵ است. در این تحقیق فن اصلی مورد استفاده، تحلیل محتوای ساختاری است و کار از طریق ساختن مقیاس‌هایی برای هر مقوله در دستور کار رمزگذاری به انجام رسیده است. در رمزگذاری داده‌های این پژوهش از

-
1. Inductive Category Development
 2. Deductive Category Development
 3. Summarization
 4. Explication
 5. Structurization

شیوه رمزگذاری نظری استفاده شده و در بخش‌های مختلف به‌تناوب از فنون مختلف این شیوه بهره گرفته شده است. از آنجاکه در تحقیق حاضر شیوه تحلیل محتوای قیاسی مورد استفاده قرار گرفته، به‌کارگیری تکنیک رمزگذاری آزاد کم‌تر مورد نیاز بوده و بیشتر رمزگذاری محوری و گزینشی مبنای عمل قرار گرفته است.

متن رسمی قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی، واحدهای مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. واحد ثبت^۱ در این تحقیق مضمون است. به عبارت دیگر، کوچک‌ترین واحدهایی که مورد تحلیل و رمزگذاری قرار می‌گیرند (کریپندورف، ۱۳۸۳: ۸۰)، مضامین آشکار یا پنهان موجود در متن هستند. از آنجاکه در این تحقیق بر آیم تا میزان، نوع و کیفیت توجه کل برنامه‌های پنجم و ششم توسعه را به مؤلفه‌های توسعه فرهنگی شهر مورد تحلیل قرار دهیم، لازم است نگاهی جامع و کلی به تمام برنامه داشته باشیم و ارزیابی خود را از کل برنامه به عمل آوریم؛ از این‌رو، واحد زمینه (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۸۴) در این تحقیق کل متن برنامه خواهد بود و جایگاه و موقعیت مؤلفه‌ها در کل برنامه تحلیل خواهد شد. با استناد و استنباط از پیشینه و چارچوب مفهومی (مطابق با منطق روش‌شناختی تحقیق)، «شهروند فرهنگی» و «سرمایه فرهنگی شهر» مؤلفه‌های توسعه فرهنگی شهر را تشکیل می‌دهند؛ این مؤلفه‌ها مبنای ساختن مقوله‌هایی شده‌اند که تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی بر اساس و مبنای آن‌ها انجام شده است. تحلیل محتوای ساختاری، فن اصلی مورد استفاده برای تحلیل محتوای کیفی متن برنامه‌هاست و کار از طریق ساختن مقیاس‌هایی برای هر مقوله در دستور کار رمزگذاری به انجام رسیده است. در طراحی دستور رمزگذاری از کار مایرینگ الگو و الهام گرفته شده است.^۲

1. Recording Unit

۲. دستور کار رمزگذاری مایرینگ شامل جداولی است متشکل از تعریف، مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری مؤلفه مورد نظر. اما با توجه به موضوع و اهداف خاص این تحقیق و نیز از آنجاکه انتظار می‌رود هر تحقیق کیفی راهکارهای

بر اساس طرح روش‌شناختی تحقیق، برآیند کلی قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه باید در خصوص هر مؤلفه (شهروند فرهنگی و سرمایه فرهنگی شهر)، ذیل یکی از دسته‌های توجه کامل، توجه ناقص و عدم توجه قرار گیرد. بدین منظور، کل متن برنامه‌ها به‌دقت مورد خوانش قرار گرفته است و بندهای مربوطه ذیل مقوله‌های تعیین گردیده قرار داده شده است. پس از تحلیل محتوای کل متن در خصوص هر مؤلفه، در صورتی که متن به کل مقوله‌های مؤلفه مورد نظر اشاره داشته، نتیجه حاصله توجه کامل برنامه به آن مؤلفه، در صورتی که تنها به برخی از مقوله‌ها اشاره داشته، نتیجه حاصله توجه ناقص برنامه به آن مؤلفه و در صورتی که به تمام مقوله‌ها بی‌توجه بوده، نتیجه حاصله بی‌توجهی برنامه به مؤلفه در نظر گرفته شده است. همچنین، به دلیل اهمیت کیفیت پرداختن به مؤلفه‌ها در برنامه، هرگاه نتایج نشان داد متن برنامه توجه تک‌بعدی به برخی از مقوله‌ها دارد، ابعاد مغفول‌مانده با نقد کیفی روشن و متمایز گردیده است. در ادامه دستور رمزگذاری هر مؤلفه و مقوله‌های مربوط به آن ارائه شده است.

با استناد و استنباط از پیشینه و چارچوب مفهومی، توسعه فرهنگی شهر در دو محور نرم (شهروند فرهنگی) و سخت‌افزاری (سرمایه فرهنگی شهر) قابل پیگیری می‌باشد؛ شهروند فرهنگی به عنوان محور نرم‌افزاری توسعه فرهنگی شهر، ابعاد غیرمحمسوس و غیرملموس، شامل هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان را در برمی‌گیرد و اشاره به مشارکت، مسئولیت و حقوق شهروندان در حوزه فرهنگ دارد. در این بخش علاوه بر سنجش مقوله‌های ارائه شده، به رویکرد کلی قانون برنامه‌های پنجم و ششم نسبت به مؤلفه شهروند فرهنگی از طریق این مقوله‌ها پرداخته شده است و نقاط مورد تأکید برنامه‌ها در این خصوص شناسایی شده‌اند تا قابلیت سنجش نهایی در خصوص رویکرد برنامه‌ها به این مؤلفه ارزیابی گردد. جدول شماره ۱، اهم مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری این مؤلفه را نمایش می‌دهد.

روشمند خلاقانه خویش را در ارتباط با اهداف و سؤالات مورد نظر طراحی کند، طرح مایپرنگ با دست‌کاری‌ها و نوآوری‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱- قواعد رمزگذاری مؤلفه شهروند فرهنگی

مؤلفه	تعریف	مقوله‌ها
شهروند فرهنگی	ابعاد غیرمحسوس و غیرملموس، شامل هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان را در برمی‌گیرد و اشاره به مشارکت، مسئولیت و حقوق شهروندان در حوزه فرهنگی شهر دارد	۱. آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان، ۲. ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی، ۳. مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، ۴. نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان، ۵. اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی، ۶. گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری.
قواعد رمزگذاری		
توجه کامل به شهروند فرهنگی	در صورتی که کل متن بر همه مقوله‌های مورد نظر تأکید داشته باشد	
توجه ناقص به شهروند فرهنگی	در صورتی که کل متن مقوله‌های معدودی را مورد توجه قرار دهد	
عدم توجه به شهروند فرهنگی	در صورتی که کل متن هیچ‌یک از مقوله‌ها را مورد توجه قرار ندهد	

سرمایه فرهنگی شهر به عنوان محور سخت‌افزاری توسعه فرهنگی شهر، ابعاد ملموس و محسوس زندگی و فرهنگ شهری، شامل گسترش امکانات، فضاها و ارتباطات شهری در حوزه فرهنگی را در برمی‌گیرد و در رفتارها، فناوری و منابع مادی شهر، به عنوان فضایی فرهنگی، تبلور می‌یابد.

رویکرد کلی قانون برنامه‌های پنجم و ششم نسبت به مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر از طریق مقوله‌های ارائه شده در جدول (شماره ۲) مورد بررسی قرار گرفته و تأکیدات خاص برنامه‌ریزان در این حوزه بررسی شده است.

جدول ۲- قواعد رمزگذاری مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر

مؤلفه	تعریف	مقوله‌ها
سرمایه فرهنگی	ابعاد ملموس و محسوس زندگی و فرهنگ شهری، شامل گسترش امکانات، فضاها و ارتباطات شهری در حوزه فرهنگی را در برمی‌گیرد و در رفتارها، فناوری و منابع مادی شهر به‌عنوان فضایی فرهنگی تبلور می‌یابد.	۱. توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی، ۲. گسترش ارتباطات بین‌شهری، ۳. برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی، ۴. گسترش پارک‌ها و فضای سبز، ۵. راهاندازی اینترنت در مکان‌های عمومی شهر، ۶. گسترش مطبوعات و مجلات محلی، ۷. استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر، ۸. ایجاد و توسعه مکان‌های ورزشی.
قواعد رمزگذاری		
توجه کامل به سرمایه فرهنگی شهر	در صورتی که کل متن بر همه مقوله‌های مورد نظر تأکید داشته باشد	
توجه ناقص به سرمایه فرهنگی شهر	در صورتی که کل متن مقوله‌های معدودی را مورد توجه قرار دهد	
عدم توجه به سرمایه فرهنگی شهر	در صورتی که کل متن هیچ‌یک از مقوله‌ها را مورد توجه قرار ندهد	

یافته‌های تحقیق

در قانون برنامه پنجم توسعه مشتمل بر ۹ فصل و ۲۳۵ ماده، به برخی از مؤلفه‌های توسعه فرهنگی شهر اشاره شده است. جدول (۳)، متون مرتبط با مؤلفه‌ها و مقوله‌های توسعه فرهنگی شهر در برنامه پنجم را نمایش می‌دهد.

جدول ۳- متون مرتبط با مؤلفه‌ها و مقوله‌های توسعه فرهنگی شهر در برنامه پنجم توسعه

مؤلفه	متون مرتبط با مقوله‌ها
شهروند فرهنگی	ماده ۹: به دولت اجازه داده می‌شود به منظور افزایش سرانه بهره‌مندی اقشار مختلف مردم از فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت فرهنگی و هنری اقدام‌های مقتضی را انجام دهد؛ بند ب ماده ۱۰: ارتقاء آگاهی، دانش و مهارت همگانی، تقویت رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی هم‌سو و مقابله با رسانه‌های معارض خارجی؛ بند ج ماده ۱۱: از ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به منظور توسعه گردشگری آن مناطق حمایت مالی نماید.
سرمایه فرهنگی شهر	بند ب ماده ۳: طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع دستی و میراث فرهنگی؛ بند ج ماده ۳: توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای و نیز حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی؛ بند الف ماده ۱۱: اقدامات قانونی در جهت امکان ایجاد مراکز فرهنگی و گردشگری و نحوه تأسیس مراکز تخصصی غیردولتی را در زمینه میراث فرهنگی از قبیل موزه‌ها، مرمت آثار فرهنگی و تاریخی، کارشناسی اموال تاریخی و فرهنگی و همچنین مراکز جهت نظارت بر مراکز اقامتی، پذیرایی، دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری با استاندارد لازم و شرایط سهل و آسان را فراهم نماید؛ بند ب ماده ۱۱: از راه‌اندازی موزه‌های تخصصی به‌ویژه موزه‌های دفاع مقدس و شهدا توسط مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، تعاونی و بخش خصوصی حمایت مالی نماید؛ بند ج ماده ۱۱: از ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به منظور توسعه گردشگری آن مناطق حمایت مالی نماید؛ بند د ماده ۱۱: از مالکیت و حقوق قانونی مالکین بناها و آثار و اشیاء تاریخی منقول در جهت حفظ، صیانت و کاربرد مناسب آن‌ها و اقدامات لازم جهت بیمه آثار فرهنگی، هنری و تاریخی حمایت مالی و معنوی نماید؛ ماده ۱۴: وزارت جهاد کشاورزی موظف است اراضی ملی غیر کشاورزی به‌استثناء اراضی واقع در مناطق چهارگانه محیط‌زیست و خارج از حریم شهرها و محدوده روستاها را که مورد نیاز سازمان تربیت‌بدنی است، به‌منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی تأمین و به‌طور رایگان به سازمان تربیت‌بدنی واگذار نماید.

بر اساس نتایج جدول ۳:

- در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی، در ماده ۹ به افزایش سرانه بهره‌مندی اقشار مختلف مردم از فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت فرهنگی و هنری اشاره شده است که ذیل مقوله‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی قرار می‌گیرد. در بند ب ماده ۱۰ به ارتقاء آگاهی، دانش و مهارت همگانی، تقویت رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی هم‌سو و مقابله با رسانه‌های معارض خارجی اشاره شده است که ذیل مقوله اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی قرار می‌گیرد. در بند ج ماده ۱۱ به ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به‌منظور توسعه گردشگری آن مناطق اشاره شده است که ذیل مقوله گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری قرار می‌گیرد.

- در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر، در بند ب ماده ۳ به طراحی، تولید، توزیع، انتشار و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، صنایع‌دستی و میراث فرهنگی اشاره شده است که ذیل مقوله برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی قرار می‌گیرد. در بند ج ماده ۳ به توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای و نیز حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی اشاره شده است که ذیل مقوله راه‌اندازی اینترنت در مکان‌های عمومی شهر قرار می‌گیرد. در بند الف ماده ۱۱ به ایجاد مراکز فرهنگی و گردشگری و تأسیس مراکز تخصصی غیردولتی در زمینه میراث فرهنگی از قبیل موزه‌ها، مرمت آثار فرهنگی و تاریخی، کارشناسی اموال تاریخی و فرهنگی و همچنین مراکزی جهت نظارت بر مراکز اقامتی، پذیرایی، دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری با استاندارد لازم و شرایط سهل و آسان اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می‌گیرد. در بند ب ماده ۱۱ به راه‌اندازی موزه‌های تخصصی به‌ویژه موزه‌های دفاع

مقدس و شهدا توسط مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، تعاونی و بخش خصوصی اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می گیرد. در بند ج ماده ۱۱ به ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به منظور توسعه گردشگری آن مناطق اشاره شده است که ذیل مقوله برگزاری نمایشگاهها و جشنوارههای فرهنگی قرار می گیرد. در بند د ماده ۱۱ به حمایت مالی و معنوی و بیمه آثار فرهنگی، هنری و تاریخی اشاره شده است که ذیل مقولههای، برگزاری نمایشگاهها و جشنوارههای فرهنگی و گسترش مطبوعات و مجلات محلی، قرار می گیرد. در ماده ۱۴ به احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی اشاره شده است که ذیل مقوله ایجاد و توسعه مکانهای ورزشی قرار می گیرد.

در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی، مقولههای آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت های شهروندی شهروندان و نیازسنجی و نظرسنجی در زمینههای فرهنگی از شهروندان و در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر، مقولههای گسترش ارتباطات بین شهری، گسترش پارکها و فضای سبز و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر جزء مقولههایی می باشند که اشاره ای به آنها در برنامه پنجم نشده است. از طرفی، مقولههای مورد اشاره در بیشتر موارد به صورت غیرمستقیم و تک بعدی مورد توجه قرار گرفته اند. مقولههای گسترش سازمان های غیردولتی (NGO) در زمینههای فرهنگی و هنری، توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی و برگزاری نمایشگاهها و جشنوارههای فرهنگی جزء مقولههایی هستند که توجه و تأکید کافی بر روی آنها در برنامه پنجم صورت گرفته است. به طور کلی، ارزیابی قانون برنامه پنجم توسعه بر اساس یافته های تحلیل محتوای کیفی بیانگر توجه ناقص برنامه پنجم به توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه های آن است.

در قانون برنامه ششم توسعه مشتمل بر ۲۰ بخش و ۱۲۴ ماده، به برخی از مؤلفه‌های توسعه فرهنگی شهر اشاره شده است. جدول ۴، متون مرتبط با مؤلفه‌ها و مقوله‌های توسعه فرهنگی شهر در برنامه ششم را نمایش می‌دهد.

جدول ۴- متون مرتبط با مؤلفه‌ها و مقوله‌های توسعه فرهنگی شهر در برنامه ششم توسعه

جدول ۴ موجود نیست!!!

بر اساس نتایج جدول ۴:

- در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی، در بند ب ماده ۹۲ به واگذاری مجوزها و تصدی‌گری فرهنگی و هنری با رعایت موازین شرعی به بخش خصوصی و تعاونی و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره شده است که ذیل مقوله گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری قرار می‌گیرد. در بند ث ماده ۹۲ به تشویق و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در تولید کتاب و محصولات فرهنگی و سایر کالاهای فرهنگی و هنری اشاره شده است که ذیل مقوله گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری قرار می‌گیرد. در بند چ ماده ۹۲ به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و مطبوعات و قلم، صداوسیما و رسانه، بسترسازی برای حضور بین‌المللی در عرصه‌های فرهنگی، هنری و تنظیم مناسبات و روابط میان اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور فرهنگی و هنری اشاره شده است که ذیل مقوله‌های آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان، مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و

سیاست گذاری های فرهنگی قرار می گیرد. در بند الف و ب ماده ۹۸ به حفظ و صیانت از میراث فرهنگی (اعم از ملموس و ناملموس) و حمایت از صنایع دستی (ایجاد شهرهای جهانی صنایع دستی و احیای هنرهای سنتی در حال زوال در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی و ثبت در فهرست میراث جهانی) و تشویق و توسعه گردشگری اشاره شده است که ذیل مقوله های ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی و مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و سیاست گذاری های فرهنگی قرار می گیرد. در بند الف و ت و ث ماده ۱۰۰ به واگذاری بخشی از امور تصدی گری و اجرایی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به بخش خصوصی اشاره شده است که ذیل مقوله گسترش سازمان های غیردولتی (NGO) در زمینه های فرهنگی و هنری قرار می گیرد.

- در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر، در بند ب ماده ۳۶ به صرف عوارض حاصل از چشمه های آب معدنی و درمانی در محدوده شهرستان هایی که ظرفیت توسعه گردشگری دارند، در زیرساخت های گردشگری همان منطقه اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می گیرد. در بندت ماده ۹۲ به تبدیل بقاع متبرکه با رعایت ضوابط وقفی به قطب های فرهنگی اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می گیرد. در ماده ۹۵ به توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می گیرد. در ماده ۹۶ به احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی اشاره شده است که ذیل مقوله ایجاد و توسعه مکان های ورزشی قرار می گیرد. در بند ب ماده ۹۷ به توسعه امکانات، فعالیت های فرهنگی و خدمات زیارتی در قطب های زیارتی و گردشگری مذهبی و فراهم نمودن زمینه زیارت و اجرای طرح های (پروژه های) زیربنایی مورد نیاز اشاره شده است که ذیل مقوله توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی قرار می گیرد. در بند الف و ب ماده ۹۸ به

حفظ و صیانت از میراث فرهنگی (اعم از ملموس و ناملموس) و حمایت از صنایع‌دستی (ایجاد شهرهای جهانی صنایع‌دستی و احیای هنرهای سنتی در حال زوال در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی و ثبت در فهرست میراث جهانی) و تشویق و توسعه گردشگری اشاره‌شده است که ذیل مقوله‌های توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی قرار می‌گیرد.

در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی، شاخص‌های نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان و اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی و در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر، مقوله‌های گسترش ارتباطات بین‌شهری، گسترش پارک‌ها و فضای سبز، راه‌اندازی اینترنت در مکان‌های عمومی شهر، گسترش مطبوعات و مجلات محلی و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر جزء مقوله‌هایی می‌باشند که اشاره‌ای به آن‌ها در برنامه ششم نشده است. از طرفی، همانند برنامه پنجم، مقوله‌های مورد اشاره در بیشتر موارد به صورت غیرمستقیم و تک‌بعدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقوله‌های گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری، توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی و مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی جزء مقوله‌هایی هستند که توجه و تأکید کافی بر روی آن‌ها در برنامه ششم صورت گرفته است. برعکس برنامه پنجم که بیشتر بر مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر تأکید دارد، تأکید برنامه ششم بیشتر بر مؤلفه شهروند فرهنگی می‌باشد. به‌طور کلی، ارزیابی قانون برنامه ششم توسعه بر اساس یافته‌های تحلیل محتوای کیفی بیانگر توجه ناقص برنامه ششم به توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه‌های آن است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با تحلیل محتوای کیفی قانون برنامه‌های پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد

مرتبط فرادستی- جایگاه توسعه فرهنگی شهر در نظام سیاست‌گذاری کشور را بررسی نموده است؛ در این راستا و با توجه به پیشینه نظری و تجربی موضوع، می‌توان مدل توسعه فرهنگی را برای شهر ارائه کرد که «شهروند فرهنگی» و «سرمایه فرهنگی شهر» مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند و به‌نوبه خود مقوله‌هایی را شامل می‌شوند و در رویکردهای توسعه فرهنگی شهر (رویکرد توسعه فرهنگی یونسکو، رویکرد الگوی هوشمند و رویکرد مجموعه فرهنگی) به‌نوعی بدان‌ها پرداخته شده است.

شهروند فرهنگی به‌عنوان محور نرم‌افزاری توسعه فرهنگی شهر، ابعاد غیرمحمسوس و غیرملموس، شامل هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان را در برمی‌گیرد و اشاره به مشارکت، مسئولیت و حقوق شهروندان در حوزه فرهنگ دارد. سرمایه فرهنگی شهر به‌عنوان محور سخت‌افزاری توسعه فرهنگی شهر، ابعاد ملموس و محسوس زندگی و فرهنگ شهری، شامل گسترش امکانات، فضاها و ارتباطات شهری در حوزه فرهنگی را در برمی‌گیرد و در رفتارها، فناوری و منابع مادی شهر به‌عنوان فضایی فرهنگی تبلور می‌یابد. مؤلفه‌های شهروند فرهنگی و سرمایه فرهنگی شهر مبنای ساختن مقوله‌هایی شدند که تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی بر اساس و مبنای آن‌ها انجام شده و کار از طریق ساختن مقیاس‌هایی برای هر مؤلفه در دستور کار رمزگذاری (با الگوگیری از کار مایرینگ) به انجام رسیده است. بر اساس طرح روش‌شناختی تحقیق، برآیند کلی قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه باید در خصوص هر مؤلفه ذیل یکی از دسته‌های توجه کامل، توجه ناقص و عدم توجه قرار گیرد. بدین منظور، کل متن برنامه‌ها به‌دقت مورد خوانش قرار گرفته است و بندهای مربوطه ذیل شاخص‌های تعیین گردیده، قرار داده شده است. همچنین، به دلیل اهمیت کیفیت پرداختن به مؤلفه‌ها و مقوله‌ها در برنامه‌ها، هرگاه نتایج نشان داد متن برنامه توجه تک‌بعدی به برخی از آن‌ها دارد، ابعاد مغفول‌مانده با نقد کیفی روشن و متمایز گردیده است.

- مقوله‌های مورد توجه در برنامه پنجم در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی شامل: مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی، اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی، گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری می‌باشد. از طرفی، مقوله‌های آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان و نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان جزء مقوله‌هایی می‌باشند که اشاره‌ای به آن‌ها در برنامه پنجم نشده است که همسو با یافته‌های تحقیق پوراحمد و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد که بر این اساس باید راهبردهای تدافعی از جمله ارتقاء سرمایه اجتماعی شهروندان مانن:د آگاهی، اعتماد و مشارکت آنان در توسعه طرح‌های فرهنگی را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار داد.

- مقوله‌های مورد توجه در برنامه پنجم در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر شامل: برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی، راه‌اندازی اینترنت در مکان‌های عمومی شهر، توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی، گسترش مطبوعات و مجلات محلی، ایجاد و توسعه مکان‌های ورزشی می‌باشد. از طرفی، مقوله‌های گسترش ارتباطات بین‌شهری، گسترش پارک‌ها و فضای سبز و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر جزء مقوله‌هایی می‌باشند که اشاره‌ای به آن‌ها در برنامه پنجم نشده است. همسو با نظریه واربانوا در زمینه ابعاد شهرهای خلاق (به‌عنوان مفهومی تازه در بحث‌های توسعه فرهنگی شهر)، فضاهای ملاقات و هنر همگانی از ابعاد شهرهای خلاق می‌باشند که در آن افراد گرد هم می‌آیند و در کنار دیگر اعضای اجتماع، اجتماعی می‌شوند. از جمله این مکان‌ها می‌توان به پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، گالری‌های هنری، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی اشاره کرد که به‌نوبه خود نقش بسزایی را در توسعه فرهنگی شهر ایفا می‌کنند.

- مقوله‌های مورد اشاره در برنامه پنجم در بیشتر موارد به‌صورت غیرمستقیم و تک‌بعدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقوله‌های گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO)

در زمینه‌های فرهنگی و هنری، توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی جزء مقوله‌هایی هستند که توجه و تأکید کافی بر روی آن‌ها در برنامه پنجم صورت گرفته است. به‌طور کلی، یافته‌های تحلیل محتوای کیفی قانون برنامه پنجم توسعه بیانگر توجه ناقص برنامه پنجم به توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه‌های آن است.

- مقوله‌های مورد توجه در برنامه ششم در زمینه مؤلفه شهروند فرهنگی شامل: گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری، آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان، مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و ترغیب و تشویق شهروندان به استفاده از فضاهای فرهنگی و مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی می‌باشد. از طرفی، مقوله‌های نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان و اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی جزء مقوله‌هایی می‌باشند که اشاره‌ای به آن‌ها در برنامه ششم نشده است که همسو با یافته‌های تحقیق رحیمی (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی‌های شهری تقریباً فاقد طرح‌های مشارکتی هستند و طرح‌های جامع و تفصیلی و سایر طرح‌های شهری بدون نظرخواهی از مردم همچنان روند از بالا به پایین و به‌اصطلاح «برنامه‌ریزی برای مردم و نه با مردم» را حفظ کرده‌اند.

- مقوله‌های مورد توجه در برنامه ششم در زمینه مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر شامل: توسعه فضاهای گردشگری و فرهنگی، ایجاد و توسعه مکان‌های ورزشی و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی می‌باشد. از طرفی، مقوله‌های گسترش ارتباطات بین‌شهری، گسترش پارک‌ها و فضای سبز، راه‌اندازی اینترنت در مکان‌های عمومی شهر، گسترش مطبوعات و مجلات محلی و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر جزء مقوله‌هایی می‌باشند که اشاره‌ای به آن‌ها در برنامه ششم نشده است. مطابق با تأکید رویکرد مجموعه فرهنگی بر تأثیرات اقتصادی و فضایی و شرایط محیطی بر سیاست‌گذاری فرهنگی، در رویکردهای سستی به سیاست‌گذاری

فرهنگی شهری، تأثیرات اقتصادی و فضایی به میزان زیادی به‌مثابه امری خارجی در نظر گرفته می‌شد، اما در رویکردهای جدیدتر، فرهنگ و هنر به‌مثابه منبعی برای بازسازی شهری در برنامه‌ریزی فرهنگی شهری در نظر گرفته می‌شود که هدف آن ایجاد فضاها، سکونتگاه‌ها و محیط‌های اجتماعی برای تولید و خلاقیت فرهنگی می‌باشد.

همانند برنامه پنجم، مقوله‌های مورد اشاره در برنامه ششم در بیشتر موارد به‌صورت غیرمستقیم و تک‌بعدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقوله‌های گسترش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در زمینه‌های فرهنگی و هنری، توسعه فضاها، گردشگری و فرهنگی و مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی جزء مقوله‌هایی هستند که توجه و تأکید کافی بر روی آن‌ها در برنامه ششم صورت گرفته است. به‌طور کلی، یافته‌های تحلیل محتوای کیفی قانون برنامه ششم توسعه بیانگر توجه ناقص برنامه ششم به توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه‌های آن است. برعکس برنامه پنجم که بیشتر بر مؤلفه سرمایه فرهنگی شهر تأکید دارد، تأکید برنامه ششم بیشتر بر مؤلفه شهروند فرهنگی می‌باشد. به‌طور کلی، بر اساس یافته‌های تحقیق مبنی بر توجه ناقص قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران به موضوع توسعه فرهنگی شهر و مؤلفه‌های آن، پیشنهاد می‌گردد مقوله‌های مغفول توسعه فرهنگی شهر در این برنامه‌ها، شامل: آموزش و حمایت از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهروندان، نیازسنجی و نظرسنجی در زمینه‌های فرهنگی از شهروندان، گسترش ارتباطات بین شهری، گسترش پارک‌ها و فضای سبز، اطلاع‌رسانی در زمینه‌های فرهنگی و استفاده بیشتر از عناصر فرهنگی و هنری در فضای شهر در برنامه‌های آتی مورد توجه قرار گیرند.

منابع

- افراسیابی، حسین. (۱۳۸۸). *بررسی راهکارهای توسعه فرهنگی شهر شیراز از دیدگاه کارشناسان فرهنگی و جوانان*، شیراز: معاونت برنامه‌ریزی شهرداری شیراز.
- پوراحمد، احمد و همکاران. (۱۳۹۷). «تدوین برنامه راهبردی توسعه شهر قزوین با تأکید بر نقش عوامل فرهنگی»، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۳.
- چنگلویی، یونس. (۱۳۹۰). نقش فرهنگ در راهبردهای توسعه شهرهای جدید، مورد پژوهی شهر جدید چهارم اصفهان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خیری، الهام. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای وضعیت توسعه فرهنگی و سرمایه فرهنگی در شهر جدید پرند و رباطکریم، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحیمی، سمانه. (۱۳۹۰). بررسی نقش نهادهای متولی مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ شهروندی مطالعه موردی: شهر فسا، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۸۹). *قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۵). *قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- شربتیان، محمدحسن. (۱۳۹۲). «مطالعه جامعه‌شناختی پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال هشتم، شماره ۸۶.
- صالحی‌امیری، سیدرضا؛ چاوش‌باشی، فرزانه. (۱۳۸۹). «چالش‌های فرهنگی شهرنشینی در ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه*، شماره ۳۶.
- عطا‌فر، علی؛ آقاسی، سعید. (۱۳۹۱). «طراحی و ارائه مدل سنجش توسعه فرهنگی شهری بر اساس رویکردهای تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۴.

- کریندورف، کلوس. (۱۳۸۳). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- کشاورز ترک، حمید. (۱۳۹۳). جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری ایران با رویکرد آینده‌پژوهی، *رساله دکتری*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۲). «توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۲.
- هولستی، آل.آر. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: نادر سالارزاده‌امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- Beaker, G. and D. Cardinal. (2001). *Beyond Garrets and Silos: Bringing Communities Together through Cultural Planning*, www.culturalplanning.Ca/mccp_monograph_may2.pd.
- Duxbury, N. (2003). "Toward a Creative City", [Conference Paper] *The City of Nanaimo's Community Forum on Arts and Culture*. [Online Available].
- Florida, R. (2005). *The Rise of the Creative Class: and how it's Transforming, Leisure, Community and Everyday Life*, Basic Books.
- Grodach, C. (2006). *Cultural Development and the Entrepreneurial City: The Flagship Cultural Strategy in Los Angeles, San Francisco, and San Jose*, PH.D Thesis in Urban Planning, University of California, Los Angeles.
- Lnadry, C. (2006). *The Art of City-Making*, London: Earth scan.
- Mercer, C. (2002). *Towards Cultural Citizenship: Tools for Cultural Policy and Development*, Stockholm: The Bank of Sweden Tercentenary Foundation and Gidlunds Forlag.
- Mommaas, H. (2004). "Cultural Clusters and the Post-industrial City: Towards the Remapping of Urban Cultural Policy", *Urban Studies*, Vol. 41, No. 3, pp 507-532.
- Myring, P. (2000). "Qualitative Content Analysis", forum: *Qualitative Social Research*, Vol. 1, N. 2.
- Rosenstein, Carole. (2011). "Cultural Development and City Neighborhoods", *City, Culture and Society*, 2: 9-15.
- Trotter, R. (1998). Cultural Policy. In. K. McGowan (Ed.). *The Year's Work in Critical and Cultural Theory*, Blackwell Pub.
- Tweed, C. & Sutherland, M. (2007). "Built Cultural Heritage and Sustainable

Urban Development", *Landscape and Urban Planning*, Vol. 83: 62-69.

- Varbanova, L. (2007). *Our Creative Cities Online*, In. B. Cvjeticanin (Ed.). Cultural Transitions in Southeastern Europe: The Creative City: Crossing Visions and New Realities in the Region, UNESCO Press.
- Zhang, Y, and M B Wildemuth. (2009). "Qualitative Analysis of Content", *In Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science*: 308-319.